

Can the Internet Promote Open Global Societies?

آیا اینترنت می‌تواند جوامع باز جهانی را ارتقاء بخشد؟

نویسنده: داگلاس ای. هوستون^۱ (DOUGLAS A. HOUSTON)

استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کانزاس

سال انتشار: ژانویه ۲۰۰۳

آدرس سایت مقاله:

<http://www.independent.org/publications/tir/article.asp>

کلید واژه ها: جوامع باز جهانی، استفاده جهانی از اینترنت، شبکه اجتماعی، اینترنت و فرهنگ جهانی، تجاوز فرهنگی، جهانی سازی

اینترنت به عنوان بلوک‌های ساختمانی لازم اما بسیار گرانقیمت برای توسعه مدرن هم اعلام گردیده و هم نفرین شده است. نابرابریها در دسترسی به زیرساختها (شبکه‌ها، پیشکاران کامپیوتری (servers) و کامپوترها) و مهارت‌های مورد نیاز در استفاده از اینترنت نیز شکاف دیگری بین کشورهای دارای اینترنت و فاقد آن ایجاد کرده است - «شکاف رقمی»^۲ که برای آن سرمایه‌گذاری‌های کلانی از لحاظ فیزیکی و انسانی به عنوان علاج (برای فاقدین آن) پیشنهاد شده است. به عنوان مثال رئیس جمهور چین «یانگ زمین»^۳ بطور علنی اعلام نمود که در هم آمیختن اقتصاد هستی با فن‌آوری اطلاعات توسعه اقتصادی چین در قرن بیست و یکم را پیش خواهد برد.

البته در کنار این اعتراف به اعتقاد به فن‌آوری اطلاعات، سرکوبی سیاسی چین و کنترل آنچه که رهبران آن را سوء استفاده‌های متعدد شهروندان چینی و خارجیان می‌نامند نیز وجود دارد. (کالاتیل و بواس^۴ ۲۰۰۱)

بسیاری از کشورها - که همه نیز سرکوبگر نیستند - در زمینه گسترش قاعده‌مندی اینترنت از چین پیروی می‌کنند چرا که هم از چالش‌های سیاسی و هم اختلال اجتماعی در هراسند. اصل هدایت‌کننده در پشت این تلاش‌ها به نظر می‌رسد که می‌تواند این موضوع باشد که اینترنت می‌تواند به صورت مکانیکی به مؤسسات اقتصادی موجود متصل شود و بدینگونه ارزش اقتصادی بیشتری را ایجاد نماید در حالیکه به طور همزمان خودمختاری فرهنگی و سیاسی را حفظ می‌نماید. رسیدن به چنین نتیجه‌ای همان‌گونه که خواهیم دید کاملاً یک مسئله دشوار است. توان اینترنت به عنوان ابزاری ارتباطی، بخشی از ظرفیت آن در فروپاشی وضع موجود به وسیله آوردن دانش جدید به قیمت بسیار پایین به مناطق دورافتاده جهان است.

در رسیدن به جایگزین‌هایی برای دانش محلی و سنتی، افراد می‌توانند عملکرد مؤسسات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی محلی را مختل نمایند. معهذا فرایند پویای مشارکت در دانش برای سرمایه‌داری،

2_ Houston

3_ Jiang Zemin in

4_ K Alahil & Boas

داشتن جامعه‌ای آزاد (هایک^۵ ۱۹۴۵) و گونه‌ای قوی از جهانی‌سازی که آزادی بشر را حفظ نماید، واجب است. البته تاکنون ادعاهای گسترده در مورد توانمندی های اینترنت و هراس از آن، هم برای رشد اقتصادی و هم روشنگری اجتماعی (و یا نابودی آن) فقط پایه‌های واقعی معدودی حتی در کشورهای توسعه‌یافته داشته است که در آنها شبکه به صورت مترکمی در هم تنیده است و بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مقاله، آنچه را که درباره جایگزین شدن اینترنت و تأثیرات آن بطور کلی و در سطح پنجاه کشور می‌دانیم، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شواهد نشان می‌دهد که هنوز از وارد شدن به «انقلاب اطلاعاتی» جهانی فاصله داریم و کشورهای بسیاری که جهانی شده اند (آن گونه که به وسیله جریان‌های اقتصادی اندازه‌گیری می‌شود) همچنین می‌توانند کشورهای انعطاف‌ناپذیر و غیرمتمدن باشند. امروزه مطمئناً اینترنت ما را در سطح جهانی به یکدیگر نزدیکتر نموده خصوصاً در پردازش معاملات و مشارکت در داده‌ها و با ابتکارات و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر، حتی نزدیکتر نیز خواهیم شد.

به عنوان مثال کنفرانس از راه دور بسیار واقعی‌تر- احساسی‌تر، شخصی‌تر و به صورت فزاینده‌های بی‌اعتنا تر به مرزهای سیاسی - خواهد بود. جالب است که این اینترنت «انسانی‌تر» احتمال دارد تنشهای بشر را افزایش دهد.

به عنوان مثال اینترنت می‌تواند جماعت‌های جهانی و سازمان‌های شبکه‌ای - گروه‌های کاری و اجتماعی کوچک و صمیمی که ممکن است ماهیتاً حذف‌کننده دیگران (حتی قبیله‌ای) باشد - را ایجاد نماید. به طور کلی، اینترنت به عنوان یک فن‌آوری ارتباطی خطرناک سیاسی و فرهنگی را برای وضع موجود ایجاد خواهد کرد چرا که جایگزین‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری را ارائه می‌دهد. بالاخره هیچکس نمی‌تواند مطمئن باشد که اشخاص چگونه از این سیلاب اطلاعات استفاده می‌نمایند. هر چند نظام‌های سیاسی سرکوبگر ممکن است به خصوص در مقابل تغییرات ایجاد شده به وسیله شبکه آسیب‌پذیر باشند ولی تمامی مؤسسات - که شامل کشورهای مردم‌سالار غربی، شرکت‌ها، مذاهب و فرهنگ‌ها نیز می‌شود - در خطر هستند. بنابراین بسیاری از افراد ممکن است برخی از عواقب فن‌آوری اینترنت را دوست نداشته باشند. به این دلیل تلاش‌های دولت در قانونمند

کردن استفاده از اینترنت شدت خواهد یافت همان‌گونه که سیاستگذاران عامه به دنبال مشخص نمودن مشارکت مناسب در اطلاعات جهانی برای شهروندان خود هستند.

استفاده جهانی از اینترنت

پس از سال‌ها رشد سریع اینترنت، اکنون برخی خصوصیات استفاده بین‌المللی از آن را درک می‌کنیم. جدول ۱ پنجاه کشور را بر اساس درصد جمعیت استفاده‌کننده از اینترنت و آمار فراهم‌کنندگان برای آن درصد و همچنین میزبانان اینترنت در هر میلیون نفر و سرانه تولید ناخالص ملی (GDP)، رده‌بندی کرده است. تمامی داده‌ها مربوط به سال ۱۹۹۸ است. کشورهایی که در فهرست آمده‌اند بیشتر شامل کشورهای توسعه یافته است اما یک پنجم آنها سرانه تولید ناخالص ملی کمتر از ۲۰۰۰ دلار دارند. عجیب نیست که کشورهایی با این سطح پایین از درآمد، دسترسی کمی به اینترنت داشته باشند. این کشورها البته فاقد بسیاری از سازه‌های زیرساختی دیگر نیز هستند. در نتیجه احتمال آن کم است سرمایه‌گذاری در اینترنت و آموزش کامپیوتر، چشم‌اندازهای اقتصادی چنین کشورهایی را به طور مستقیم بهبود بخشد. در میان ده کشور اول استفاده‌کننده از اینترنت چهار کشور اسکانندیناوی سه کشور حاشیه اقیانوس آرام دو کشور آمریکای شمالی و یک کشور اروپایی قرار دارند. در میان ده کشور پایین رده‌بندی در این آمار، پنج کشور افریقایی، چهار آسیایی و یک کشور از خاورمیانه است.

جدول ۱- کشورهای مختلف به ترتیب تعداد کاربران اینترنتی ۱۹۹۸

۲۷۷۰۵	۴۲۸۱۶/۱۵	۳۹/۵۴	سوئد	۱
۲۸۰۷۵	۸۹۲۶۸/۳۹	۲۸/۵۹	فنلاند	۲
۲۰۴۵۸	۳۶۹۲۹/۴۷	۲۴/۷۵	کانادا	۳
۳۱۱۳۹	۲۱۲۱۰/۶۸	۲۳/۷۱	سنگاپور	۴
۳۶۸۰۶	۷۱۹۷۶/۵۳	۲۲/۵۶	نروژ	۵
۳۱۲۰۱	۱۱۲۷۹۶/۹۰	۲۲/۲۰	ایالات متحده	۶
۳۷۴۴۹	۵۶۲۱۵/۸۱	۱۸/۸۶	دانمارک	۷
۲۱۸۸۱	۴۲۲۳۷/۷۵	۱۶/۰۰	استرالیا	۸
۱۶۴۲۷	۳۶۱۲۶/۷۹	۱۵/۸۲	زلاندنو	۹
۴۴۹۰۸	۳۴۴۷۷/۹۱	۱۴/۰۷	سوئیس	۱۰
۳۰۸۶۹	۲۲۱۴۱۶/۲	۱۳/۶۲	اتریش	۱۱
۲۰۲۳۷	۲۴۵۳۶/۴۵	۱۳/۵۵	پادشاهی انگلستان	۱۲
۴۲۰۸۱	۱۳۳۵۳/۳۷	۱۳/۲۴	ژاپن	۱۳
۲۸۱۵۴	۳۹۸۷۷/۶۹	۱۰/۱۹	هلند	۱۴
۳۱۱۴۱	۱۷۶۷۲/۸۰	۹/۱۴	آلمان	۱۵
۲۳۴۲۲	۱۵۰۷۶/۶۵	۸/۱۰	ایرلند	۱۶
۱۵۹۷۸	۱۹۵۱۵/۸۳	۷/۵۶	فلسطین اشغالی	۱۷
۱۱۱۲۳	۴۰۰۶/۰۳	۶/۶۸	کره	۱۸
۱۱۶۷۲	۵۶۱۷/۹۸	۶/۰۲	پرتغال	۱۹
۲۷۹۷۵	۸۶۸۳/۵۴	۵/۹۵	فرانسه	۲۰
۱۹۵۷۴	۶۷۱۳/۰۹	۵/۲۱	ایتالیا	۲۱
۱۵۶۴۴	۷۷۹۷/۶۲	۴/۴۰	اسپانیا	۲۲
۳۸۷۷	۳۳۸۷/۹۹	۴/۰۹	لهستان	۲۳
۵۱۴۲	۸۴۰۰/۳۹	۳/۸۹	جمهوری چک	۲۴
۴۲۵۱	۲۱۵۷/۴۴	۳/۶۱	مالزی	۲۵
۱۲۰۶۹	۴۷۴۵/۹۸	۳/۳۳	یونان	۲۶

۳۹۱۸	۳۴۷۸/۰۹	۳/۰۶	افریقای جنوبی	۲۷
۴۹۲۰	۹۴۹۱/۷۹	۲/۹۷	مجارستان	۲۸
۴۷۸۴	۲۰۳۰/۷۷	۱/۶۹	شیلی	۲۹
۴۵۰۹	۱۲۹۶/۸۰	۱/۵۱	برزیل	۳۰
۳۴۹۹	۳۴۰/۳۳	۱/۵۱	ونزوئلا	۳۱
۴۴۵۹	۱۱۷۸/۹۷	۱/۴۱	مکزیک	۳۲
۲۳۹۲	۳۹۷/۰۲	۰/۸۶	کلمبیا	۳۳
۲۶۱۱	۱۹۳/۱۴	۰/۸۱	پرو	۳۴
۳۱۶۷	۷۷۰/۲۵	۰/۷۱	ترکیه	۳۵
۲۱۳۸	۱۲۴۳/۴۸	۰/۶۸	روسیه	۳۶
۸۴۷۵	۱۸۲۶/۹۹	۰/۵۵	آرژانتین	۳۷
۲۵۹۳	۳۳۵/۴۰	۰/۳۳	تایلند	۳۸
۸۳۷	۳۹۳/۱۸	۰/۳۰	اکراین	۳۹
۱۰۹۲	۱۲۲/۳۸	۰/۲۰	فیلیپین	۴۰
۷۲۷	۱۳/۹۳	۰/۱۷	چین	۴۱
۱۱۴۶	۳۹/۴۱	۰/۱۶	مصر	۴۲
۱۲۷۵	۳/۹۴	۰/۱۶	ایران	۴۳
۹۷۲	۷۵/۸۵	۰/۱۵	اندونزی	۴۴
۱۳۸۸	۷۳/۶۳	۰/۱۴	مراکش	۴۵
۸۰۲	۲۸/۷۰	۰/۱۱	سری لانکا	۴۶
۲۲۸۳	۱/۶۱	۰/۱۱	تونس	۴۷
۴۴۴	۱۳/۵۳	۰/۰۵	هند	۴۸
۳۳۴	۲۳/۴۲	۰/۰۵	کنیا	۴۹
۲۵۶	۳/۳۹	۰/۰۳	نیجریه	۵۰

درآمد سرانه و استفاده از اینترنت به صورت مثبت هبستگی دارند. با به خاطر سپردن این ارتباط بسیاری از کشورهای در حال توسعه ایجاد زیرساخت‌های اینترنت را در مرکز سیاست‌های توسعه اقتصادی خود قرار داده‌اند هر چند که اینترنت احتمالاً سرچشمه رشد بهره‌وری اقتصادی است اما تاکنون شواهد در این مورد محدود است. این تأثیرات ضعیف به سه دلیل است:

اولاً سرمایه‌گذاری‌ها در فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات در سطح جهانی گسترده نبوده است. حتی در کشورهای توسعه یافته، دگرگونی‌های فرهنگی و سازمانی حیاتی که برانگیزانند بهره‌وری اینترنت باشند هنوز ایجاد نشده‌اند (براینی افسن هیت^۱ ۲۰۰۰). این موانع برای کشورهای تاحدی توسعه یافته بسیار بیشتر است.

ثانیاً ابزاری میانه رو برای بسیاری ارتباطات شخصی باقی مانده است و این به دلیل موانع تکنولوژیکی است. (هنوز) نمی‌توانیم مکالمات خصوصی، جامعی را در سطح جهانی با قابلیت اعتبار بالا انجام دهیم و چنین مباحثاتی در قلب بسیاری از روابط جهانی آینده قرار دارد.

ثالثاً دولت‌ها ابزارهای پایه‌ای تکنولوژیکی دارند که ولو به صورت دست و پا شکسته استفاده از اینترنت را کنترل می‌نمایند. به عنوان مثال در بسیاری از کشورهای سرکوبگر، فراهم کنندگان خدمات اینترنتی (ISPها) یا در مالکیت دولت هستند و یا به وسیله آن کنترل می‌شوند. تلاش‌های دولت‌ها در تنظیم مکالمات می‌تواند بسیاری از بازده‌های اقتصادی را که به آن امید می‌رفته به وسیله کاهش کنترل اطلاعات به وسیله کاربران کند و کاو کند. از انتظارات آمریکایی‌ها در اواخر دهه ۱۹۹۰ برای رشد اقتصادی سه درصد بیشتر سالیانه که اکنون، به مقدار قابل ملاحظه‌ای از شاخ و برگ آن زده شده است بخشی به این دلیل است که بهره‌وری مستمر از کاربردهای فن‌آوری اطلاعات به صورت نامشخص‌تر و کم‌فروغ‌تر درآمده است. البته مشکل است ارتباط بین سرمایه‌گذاری در فن‌آوری اطلاعات و بازده اقتصادی را منکر شد. در نتیجه بسیاری از کشورها، به اینترنت به عنوان بلیط ورود به اقتصاد بر اساس آگاهی می‌نگرند. با شرط‌بندی بر روی شبکه به عنوان منبع رشد اقتصادی، این دولت‌ها اغلب با بی‌میلی اگر نه ناآگاهانه، مهار موجود بر نیروی اینترنت در تأثیر بر سیاست و اجتماع را برمی‌دارند.

شبکه اجتماعی

اینترنت می‌تواند گذرگاه حیرت‌انگیزی برای داده‌ها باشد اما آیا بیت‌های کامپیوتری بیشتر به معنای دانش بیشتر است؟ اغلب درک کنونی ارتباطات بر نظریه اطلاعات متکی است. این تئوری، اطلاعات را به عنوان انتقال پیام‌ها با درجه تعیین‌شده‌ای از صحت می‌نگرد.

مشکلات ارتباطات در این زمینه، محدود به مطالب دارای نقصان خطوط است. بنابراین تئوری اطلاعات، نقصان را در مشکلات در جریان حرکت داده می‌داند. با برطرف کردن مطالب نامربوط و برقراری ارتباط قابل اطمینان، دانش بیشتری خواهیم داشت. البته اشخاص دائماً اطلاعاتی را که دریافت می‌کنند دریافت اجتماعی خود قرار می‌دهند، معنای شخصی و احساس ارتباط اجتماعی با دیگران را به آن می‌افزایند. به گفته براون و دوگاید^۱ (۲۰۰۰) تمامی اطلاعات دارای زندگی اجتماعی هستند و رفتارهای اجتماعی در جستجوی منزلت، در تمامی گروه‌ها و فرهنگ‌ها به مقدار زیاد نمایان است. هر چند هر نوع ارتباطی (نامه، نمابر، مکالمه تلفنی، صحبت رودررو) در معرض برداشت‌های غلط و مشکلات کنترل قرار دارد اما اینترنت به دلیل ماهیت پخش فراگیر در فرستادن پیام‌ها در سطح شبکه‌ای باز و ناامن در زمینه خطرات مربوط به حریم خصوصی غنی است.

بنابراین یکی از نقاط قوت اینترنت - پراکنش ارزان قیمت به کاربران فراوان - هنگامی که ارزش ارتباط از توقع خصوصی بودن ناشی شود به صورت نقطه ضعف درمی‌آید. تحریم دولتی تجسس، افشاکری شخصی را سرد می‌کند. در برخی ممکن است بی‌توجهی وابسته به نظارت را مناسب بیابیم - مثلاً وقتی مباحثات فحاشی و هرزه‌گویی از ارتباطات جنایی حمایت می‌کند و یا شامل مطالب جنسی زننده است. البته دیگر رسانه‌ها نیز با این مسائل روابط عمومی روبرو هستند و ایجاد تعادل بین آزادی بیان در مقابل ارزش‌های عمومی دیگر، سؤال همیشه مشکلی را در جایگزینی اینترنت ایجاد می‌کند. (لیسگ^۲ ۱۹۹۹)

اما هنگامی که حریم خصوصی به وسیله نظارت فراگیر و یا رخنه کردن^۳ در خطر قرار می‌گیرد، افراد آنچه را که می‌گویند محدود می‌نمایند و پیام‌های خود را از مطالب و یا لحنی که ممکن است برای شنوندگان (دعوت‌نشده) ناخوشایند باشد پالایش می‌نمایند. این سانسور شخصی معمولاً مطالب و

1_ Brown and Duguid

2_ Lesig

3_ Hacking

زمینه‌های بسیاری از مباحثات اینترنتی را تخلیه می‌کند. البته چنین تخلیه‌ای اغلب منظور نظر و هدف نظارت کنندگان است. صحبت‌های ناخوشایند ممکن است شامل در میان گذاشتن تخیلات نژادپرستانه و یا مطالب هرزه‌نگاری باشد. از طرف دیگر ممکنست شامل در میان گذاشتن الهامات و یا زیبایی‌شناسی برای آزادی‌های مردم سالارانه باشد.

کاهش خطرات رفتارهای نامطلوب اینترنتی، موقعیت‌های ابراز عقیده افراد را که باعث گسترش آزادی‌های شخصی در سطح جهانی و پرداختن به روابط بسیار ارزشمند می‌گردد را نیز کاهش می‌دهد. رفتارهای ناشایست می‌باید به دقت مشخص گردد و پاسخ‌های سیاسی به این امر می‌باید محدود باشد و به عنوان پایه‌ای برای نظارت و محدودیت وسیعتر آزادی بیان نگردد.

چه خوب و چه بد، پیشرفت‌های سریع در شبکه باز ارتباطی را که قبلاً ناامن بود به صورت مکانی امن برای مکالمه خصوصی درمی‌آورد. تا امروز نگرانی‌های سیاستگذاری درباره حریم خصوصی در اطراف دورنماهایی برای معاملات اقتصادی ایمن دور می‌زده است.

لاورنس لسیگ^۱ استدلال می‌کند که «برای رشد کامل تجارت الکترونیک، شبکه نیازمند معماری بسیار قابل اعتمادتری است. معماری‌ای که دادوستدهای خصوصی و ایمن را ممکن می‌سازد» (۱۹۹۹ ص ۴۰) ساختار اعتماد بر مباحثات اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌گذارد. با حریم خصوصی (اصالت دو طرفه مکالمه و محرمانه بودن پیام‌ها) حرف‌های بسیاری در میان گذاشته خواهد شد که در غیر این صورت انجام نمی‌شد. اما با وجود اینکه هنوز مسائل مربوط به محرمانه بودن حل نشده است شاهد تجمع کاربردهای اجتماعی اینترنت در مجامع مجازی هستیم که افراد را در سراسر جهان به یکدیگر مرتبط می‌کند. عامل مهم این همکاری‌ها آنست که شرکت کنندگان در آن، خود را پایبند به روابط مستمر می‌بینند. این استمرار همیشه تضمین‌کننده نیست اما هنگامی که باشد، نیکنامی شخصی در میان شرکت‌کنندگان به دلیل آمیخته شدن با رفتارهای فرصت طلبانه به مخاطره می‌افتد.

تعاملات اجتماعی مفید بسیاری با اندکی محرمانگی اتفاق می‌افتد. به طور کلی اینترنت ابزاری نویدبخش برای روابط خودساخته است که فراسوی نقل و انتقالات اصلی گسترش می‌یابد.

دولت‌ها می‌توانند به وسیله اجازه دادن به اینترنت برای گسترش محرمانه بودن نقشی مثبت بازی کنند. دولت‌ها همچنین می‌توانند - و اغلب چنین می‌کنند - به وسیله نابودی محرمانگی پیام‌ها و وضع قوانین درباره محتوای اطلاعات، اغلب به روش‌هایی دست بالا نقشی مخالف را بازی کنند.

تأثیر اینترنت بر فرهنگ‌های جهانی

اینترنت مسلماً می‌تواند مردم را برای تعامل با دیگران در سطح جهانی (آزاد) نماید اما این که با چه هدفی، به این مهم می‌پردازد اغلب موضوع نامشخصی است و هنگامیکه این اهداف به شکلی منطقی روشن باشد ممکن است مورد قبول نباشد. بسیاری از جوامع اینترنتی ممکن است مخلوقاتی عجیب و پرتنش برای بسیاری از ما باشد و فاقد احساس تعلق شخصی در میان شرکت‌کنندگان آن باشد. احتمالاً این فقدان همیشه دارای اهمیت نیست اما برای برخی از پیامبران اینترنت این جوامع رویای اختیار گرایی، توانمند کننده و مکانی برای نقش بازی کردن افراد است. هرچند چنین برخوردهایی ممکن است غیر رضایت بخش به نظر برسد اما در آنچه اکنون به عنوان زندگی اجتماعی در اینترنت می‌گذرد غیر عادی نیست. آنگونه که کارتن «نیویورکیهای» پیتر اشتاینر^۱ (۲۰۰۰) نشان می‌دهد، «در اینترنت هیچکس نمی‌داند تو سگی». و احتمالاً هیچکس هم اهمیت نمی‌دهد. هرچند افراد بسیاری ممکن است برای به شکل کالا درآوردن روابط خود ارزش قائل باشند و بخواهند هویت خود را پنهان نمایند، اما چنین رفتارهایی مدتهاست از روابط واقعی انسانها (و حتی سگها) رخت بر بسته اند و زیر بنای اعتماد است که باعث می‌شود روابط عمیقتر رشد نماید.

از لحاظ اجتماعی در کجا این موقعیت ما را ترک می‌کند؟

میشل پرواز^۲ (۲۰۰۱) جنگی درآینده بر سر روح شبکه را توصیف می‌کند. کشمکش بین اختیار گرایی خرده گرایانه که همه چیز را به اسم نفع شخصی و به شکل کالا درمی‌آورد و ارتقاء دهندگان نفع عمومی که شبکه را فضایی عمومی برای مشارکت همگانی و ارتقاء رفتار نوع دوستانه می‌بینند این دو گانه سازی بازده شبکه یک کاریکاتور است.

1_ Peter Steiner

2_ Michel Prouse

اولاً رفتار همه چیز در ازاء قیمت آن رفتاری است که در حال حاضر نیز زنده است و در اغلب بازارهای اقتصادی عمل می‌شود چه اینترنت حضور داشته باشد و چه نداشته باشد - و هنوز ما دارای طیف گسترده‌ای از تعامل‌های اجتماعی هستیم که مکمل زندگی اقتصادی ماست.

دوماً داشتن دولت به عنوان فراهم‌کننده نفع عمومی در اینترنت و حضور دولت به عنوان اعمال‌کننده آن مشکل‌ساز است؛ چگونه دولت می‌تواند نفع عمومی را مستقل از انتخاب‌هایی که افراد در بیان ارزش‌های خود اعلام می‌کنند بداند؟

درغیاب چنین کنترل سیاسی، شبکه ممکن است تبدیل به جامعه‌ای پرجنجال، باز و محل یادگیری شود که در آن اهمال قضاوت شخصی باعث پیشرفت خودجوش جامعه می‌شود. بسیاری از کسانی که امروزه شادمانه درباره جهانی‌سازی صحبت می‌کنند، چنین شکل‌بازی از این کلمه را در نظر ندارند. بسیاری از کسانی که امروزه درباره توقف جهانی‌سازی صحبت و عمل می‌کنند احتمالاً دیدگاه منطقی‌تری از تأثیرات مخمل این آزادی که در سطح جهانی گسترش یافته دارند. این تشویش‌ها و دلهره‌ها زمینه بحث علیه برداشت آزاد از جهانی‌سازی است.

سه سناریوی اینترنت

سه سناریو را که احتمالاً اینترنت بر فرهنگ اثر می‌گذارد در نظر بگیرید:

خیرخواهی فرهنگی، پیکار فرهنگی و انهدام اخلاق فرهنگی.

در اولین سناریو، دسترسی جهانی به اینترنت باعث بالا رفتن قردردانی و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی می‌گردد و افراد در زیربنای فرهنگی یکدیگر دخالت نمی‌کنند. طرفداران این نظریه معمولاً عدم دخالت در فرهنگ‌های موجود را یک ارزش می‌بینند. بنابراین اگر کسانی که با یکدیگر از طریق اینترنت در تماس اند تحت تاثیر قرار گیرند و فرهنگ‌ها در واقع تغییر کند، مشکل ایجاد می‌شود.

به منظور پیشگیری از آلودگی، قوانین مرزی می‌باید برای تبادلات فرهنگی و فناوری اعمال گردد.

بنابراین فرهنگ را می‌توان به عنوان ایجادکننده حق اطلاق کرد که به متصدیان سیاسی این حق را میدهد که برداشت نمایند چه چیز مستحق حمایت از تجاوز فرهنگی است و چه کسی باید آن حمایت را اعمال نماید. این دید هنجار گونه - که بی دلیل نباید بر فرهنگ‌های بومی تأثیر گذاشت -

به نظر به فراوانی در مباحثات فرهنگها مطرح می گردد. در این دیدگاه فرهنگهایی وجود دارند که شکننده هستند و به آسانی بوسیله فرهنگهای متجاوز و سلطه گر صدمه می بینند.

برخی منتقدین گسترش فرهنگ عامه آمریکایی را ناخوشایند و زننده می یابند درحالیکه دیگران بیان می کنند که دنیا با گسترش فرهنگ آمریکایی ممکن است مکان بهتری برای زندگی گردد. (رتکف^۱ ۱۹۹۷).

سناریوی دوم آن است که اینترنت می تواند مکالمات را به صورت محورهای فرهنگی و ایدئولوژیک هرچه محدودتری در دسترس جهانی قرار دهد. به جای پذیرش بیشتر - به صورتی که افراد ایده های فرهنگی پراکنده ای را همچون شعبده بازی که توپها را در هوا این دست و آن دست می کند در اختیار دارند - شاهد مشارکت کمتر و مجامع دروازه بندی شده جهانی بیشتر است که شامل افراد خودبینی است که در یکسری خاص از ارزشها شریکند اما خود را از اثرپذیری از دیگر فرهنگها و تأثیرات جوامع دیگر حفظ می کنند. در این سناریو، شبکه ارتقادهنده کوتاه فکری و تعصب جهانی است (شاپیرو^۱ ۱۹۹۹) خودخواهی توانمند شده بوسیله شبکه که برخی آن را به عنوان حماقت اختیارگرایی کامپیوتری به سخره گرفته اند (واینبرگر^۲ ۲۰۰۱)

سومین سناریو شامل انهدام اخلاق فرهنگی است. این سناریو بسیار شبیه سناریو اول آغاز می شود: اینترنت می تواند تعامل ارزشمند بین فرهنگها را ارتقاء دهد اما در نهایت، گفتمان جهانی، توان بالقوه هم رقابت و هم همکاری میان ایده ها و ارزشها را گسترش می دهد و تغییرات واقعی در فرهنگها بازده ملموس اینکار است. ایده ها، ارزشها و هنجارهای خارجی می تواند جایگزین نمونه های محلی گردد. این ایده نیز به نوعی دارای کشمکش فرهنگهاست.

مباحثات جهانی به صورت بالقوه ای ممکن است عقاید دیرپای جامعه و فرهنگ را دوباره شکل دهند. اینترنت این گفتمانها را سرعت می بخشد و فراوانی ایده ها را پیش روی مردم می گذارد. فرانسیس فوکویاما^۳ (۱۹۹۹) فرایند اجتماعی تطبیق با دستاوردهای محیطی (مثلاً اختراعات در فناوری اطلاعات) را به عنوان اصلی بنیادی در حفظ جامعه ای باز می داند. البته تمامی شاهدین، ریسک پذیری اجتماعی

1_ Rothkopf

1_ Shapiro

2_ Weinberger

3_ Francis Fukuyama

و سیاسی را توجیه‌پذیر نمی‌دانند و سنت‌گرایان قبل از آنکه مشتاقانه اینترنت را با ظرفیت آن برای دامن زدن به آشوب بپذیرند مکث می‌کنند. گمان می‌کنم که به همین دلیل است که ادمند بورک^۴ مانند بسیاری از محافظه‌کاران اجتماعی و سیاسی امروزه، شیفته آن نبوده است.

به طور کلی، دیدگاه انهدام اخلاق فرهنگ‌ها به بهترین وجه بازتاب واقعیت این موضوع است که چگونه اینترنت در آینده بر فرهنگ‌ها اثر خواهد گذاشت. گرچه برخی منتقدین درباره گسترش خطرات چیرگی فرهنگ غربی بر فرهنگ‌های بومی نگرانند اما تمامی ملت‌ها احتمالاً با چالشهای فرهنگی گسترده در چند دهه آینده روبرو خواهند بود.

بخشی از این چالش‌ها برخاسته از بهبود فناوری اطلاعات است. کشورهایی با زیرساخت اینترنتی کاملاً توسعه‌یافته و با جمعیت‌های تحصیل‌کرده و ماهر از لحاظ فنی با این شوکها با آسفتگی اجتماعی بسیار کمتری به نسبت کشورهای که فاقد این خصوصیات هستند کنار می‌آیند.

معهدا مزایای گسترش استفاده از فناوری‌های ارتباطات بر اساس سرانه جوامع توسعه‌یافته و باز به بیشترین حد است. آن گونه که اقتصاددانان می‌گویند، عمل در حاشیه است. مردم تحصیل‌کرده بسیاری را در کشورهای محدودکننده در نظر گیرید که دسترسی به اینترنت آنان را فراسوی فرهنگ‌های محلی‌شان می‌برد و پنجره‌ای به روی گزینه‌های فرهنگی و اقتصادی نادر (و ارزشمند) می‌گشاید که مردم در کشورهای بازتر قدر آنها را نمی‌دانند. احتمالاً شاهد گسترش طبقه متوسطی که متمایل به جهانی شدن باشد در جاهایی خواهیم بود که قبلاً وجود نداشته است، که این خود تا حدودی به دلیل ارتباطات اینترنتی و جامعه‌سازی است که مرزهای سیاسی را احاطه کرده است.

عکس‌العمل سیاسی به تجاوز فرهنگی

برخی رهبران به دلیل ترس از مداخله فرهنگی شروع به توصیف جهانی‌سازی به گونه‌ای کرده‌اند که شامل اعمال فزاینده کنترل سیاسی بر اینترنت باشد. اتخاذ چنین اعمالی ظاهراً به منظور هدایت فرهنگ به جاده مناسب آن است.

آن گونه که نخست‌وزیر لیونل جاسپین^۱ از فرانسه می‌گوید: جهانی‌سازی مشروعیت تازه‌ای به کشورهای امروزه می‌دهد (جغرافی و شبکه ۲۰۰۱ ص ۴۳) به نظر می‌رسد که همفکری فزاینده‌ای در

4_ Edmond Burke

سطح جهانی میان دولت‌ها برای جهانی‌سازی به شیوه فرانسوی آن به وسیله کنترل کردن فناوری اطلاعات و استفاده‌های آن وجود داشته باشد. («جهانی‌سازی از طریق دیدگاه فرانسوی» را ببینید (۲۰۰۱) در صورت موفقیت فرانسوی‌ها نشان خواهند داد که جهانی‌سازی می‌تواند بدون انعطاف‌پذیری بسیار فرهنگی، به پیش رود. بنابراین، این سیاست ارزش فکر کردن را دارد. آیا دستکاری قابل ملاحظه سیاسی در اینترنت باعث بالا بردن رفاه شخصی می‌گردد.

بله جوابی طعنه آمیز به این سؤال است اگر که بخواهید مطالب را آن گونه توصیف نمایید. هر چند بسیاری از طرفداران جهانی‌سازی اعتقاد دارند که بازبودن و درک فزاینده در میان مردم در سطح جهانی با افزایش جهانی‌سازی همراه است اما این همراهی لزوماً وجود ندارد. اگر یک فرهنگ بسیار قاعده‌مند باشد - و در نتیجه شخصی بسیار محدود است - پس گونه باز جهانی‌سازی لزوماً پیشرفته نیست. بنابراین به دلیل شکل‌گیری گسترده فرهنگ سیاسی نیز در توصیف جهانی‌سازی که اکنون متداول‌تر است جای می‌گیرد پس درک ما از عبارت جهانی‌سازی مبهم است.

لازم است که مؤلفه‌های بازبودن بین‌المللی و آزادی شخصی را که لزوماً بخشی از جهانی‌سازی نسبت به طور جداگانه درک نماییم.

ای، تی کیرینی از آمار موجود در فعالیت مرزی برای پنجاه کشور استفاده می‌کند تا اندازه‌گیری جمعی جهانی‌سازی ایجاد شود (ای تی کیرینی/مجله سیاست خارجی ۲۰۰۱ را ببینید) اندازه‌گیری‌ها بر چهار زمینه اعمال می‌گردد:

الف) جریان بین‌المللی کالاها و خدمات و همگرایی قیمت‌ها در میان کشورها؛

ب) جهانی‌سازی مالی؛

ج) جهانی‌سازی تماس‌های شخصی؛

د) اتصال اینترنتی که ترکیبی از سه عامل است - کاربران اینترنتی به صورت سرانه، میزبانان اینترنتی به صورت سرانه و تعداد سرورها (servers).

جدول ۲- راهنمای رده‌بندی جهانی سازی

سنگاپور	۱
هلند	۲
سوئد	۳
سوئیس	۴
فنلاند	۵
ایرلند	۶
اتریش	۷
انگلستان	۸
نروژ	۹
کانادا	۱۰
دانمارک	۱۱
ایالات متحده	۱۲
ایتالیا	۱۳
آلمان	۱۴
پرتغال	۱۵
فرانسه	۱۶
مجارستان	۱۷
اسپانیا	۱۸
اسرائیل (فلسطین اشغالی)	۱۹
مالزی	۲۰
زلاندنو	۲۱
جمهوری چک	۲۲
استرالیا	۲۳
یونان	۲۴
لهستان	۲۵
شیلی	۲۶
افریقای جنوبی	۲۷

تونس	۲۸
ژاپن	۲۹
تایلند	۳۰
جمهوری کره	۳۱
سری لانکا	۳۲
اوکراین	۳۳
فیلیپین	۳۴
ونزوئلا	۳۵
مصر	۳۶
ترکیه	۳۷
اندونزی	۳۸
آرژانتین	۳۹
نیجریه	۴۰
مکزیک	۴۱
مراکش	۴۲
پرو	۴۳
برزیل	۴۴
اتحادیه روسیه	۴۵
کلمبیا	۴۶
کنیا	۴۷
چین	۴۸
هند	۴۹
ایران	۵۰

جدول ۲، شاخص جهانی سازی را به صورت رتبه‌بندی برای ۵۰ کشورهای نشان می‌دهد که سنگاپور در صدر فهرست و ایران در جایگاه آخر قرار دارد. شاخص فوق تحت الشعاع فعالیت‌های اقتصادی است.

دسته‌های (الف و ب) اقتصادی محض است و دسته‌های (ج و د) به صورت قابل ملاحظه‌ای به استفاده اقتصادی وابسته است. به طور کلی درباره استفاده‌های خاصی که از اینترنت می‌شود چیز زیادی نمی‌دانیم و فقط می‌توانیم استنباط که تعداد کاربران، میزبانان و پیشکاران بیشتر، بیانگر آنست که طیف گسترده‌تری از گفتمان جهانی در حال انجام است.

شواهد بیان می‌کند که در اغلب کشورهای پیشرفته فناوری اینترنت اولاً جهت همبسته کردن بازارهای مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد و سپس بر مدیریت زنجیره‌های عرضه و جریانات سازمانی اطلاعات اعمال می‌گردد.

بنابراین ممکن است منطقی باشد که تا اینجا اینترنت را به عنوان پدیده‌ای تجاری در نظر بگیریم. توجه داشته باشید که شاخص جهانی‌سازی نیز به سمت رتبه‌های بالاتر برای کشورهای کوچک توسعه یافته از لحاظ اقتصادی جهت‌دار است. به عنوان مثال سنگاپور در رتبه اول و هلند در رتبه دوم جای دارد چرا که مقدار زیادی از آنچه این ملت‌ها از لحاظ اقتصادی نیاز دارند باید به صورت بین‌المللی کسب گردد. در مقابل ایالات متحده به خودی خود بازاری بزرگ و یکپارچه است که لزوم چنین تبادلات مرزی را کمتر حیاتی می‌سازد. به طور کلی شاخص جهانی‌سازی کیرینی ابزاری مفید اما محدود برای انتقال مباحثات درباره جهانی‌سازی فراسوی الفاظ به سمت شواهد واقعی است.

انعطاف‌پذیری فرهنگی - اقتصادی

همان‌گونه که مطالعه کیرینی/سیاست خارجی نشان می‌دهد درک ما از جنبه‌هایی سوای اقتصادی اینترنت جهانی از وضوح بسیار کمتری به نسبت جنبه‌های اقتصادی برخوردار است. هر چند که نویسندگان مطالعه کیرینی/سیاست خارجی استدلال می‌کنند که جنبه قابل ملاحظه‌ای از جهانی‌سازی گسترش فرهنگ و ایده هاست اما جریان اطلاعات لزوماً معادل بازبودن، پذیرش و تطبیق یافتن با تغییرات نیست. برای کنار آمدن با این مسائل، آنچه را که «انعطاف‌پذیری فرهنگی - اقتصادی» می‌نامیم را مورد بررسی قرار می‌دهم. این بررسی درباره میزانی است که هر کشور فعالیت‌های گروهی و شخصی داوطلب، پایدار و معناداری را بدون کنترل گسترده سیاسی انجام می‌دهد. به طور خلاصه یک جامعه انعطاف‌پذیر نیازمند حقوق زیربنایی مدنی و مالکیت خصوصی قوی است.

ایجاد شاخصی در سطح کشوری به وضوح نمی‌تواند نشان‌دهنده غنای آنچه که ممکن است از لحاظ فرهنگی در درون هر کشور و در طرف دیگر مرزهای ملی در جریان است، باشد اما می‌تواند میزانی را که هر دولت به شهروندان اجازه می‌دهد که به فرهنگ‌ها و ایده‌های خارجی دسترسی داشته باشند نشان بدهد.

به این منظور، اندازه‌گیری ساده CEF می‌تواند ایجاد شود و با اندازه‌گیری جهانی‌سازی کیرینی / سیاست خارجی برای همان پنجاه کشور مقایسه گردد. برای ساختن شاخص CEF دو اندازه‌گیری را که معمولاً گزارش می‌شود با بار یکسان با یکدیگر ترکیب نمودم. این اندازه‌گیری‌ها در مورد آزادی شخصی ارزیابی شده در سطح کشور:

شاخص آزادی اقتصادی (ادریکل، همز و کیرک تپریک^۱ ۲۰۰۱) است که به طور سالیانه توسط Wall Street Journal و بنیاد، Heritag گزارش می‌شود و شاخص آزادی های مدنی «خانه آزادی ۱۹۹۹» است که آن هم به صورت سالیانه در کشور انتشار می‌یابد.

سازمان‌هایی با دیدگاه‌های فلسفی متفاوت درباره آزادی، این اندازه‌گیری‌ها را طرح کرده‌اند. روش‌های آنان با جزئیات بیشتر در گزارشات سازمان‌ها توصیف شده است. هر دو به گونه‌ای مناسب نیازمند قضاوت درباره تأثیری هستند که مؤسسات برای حمایت از جنبه‌های داوطلبانه تبادل اقتصادی و اجتماعی و میزانی که هر شخص و یا گروه خصوصی می‌تواند به دنبال جایگزین باشد ایجاد می‌کند. بنابراین هر کشوری می‌تواند در بوق و کرنا کند که از حکم قانون اطاعت می‌کند و از حقوق بشر حمایت می‌نماید اما میزانی که هر کشور نشان داده است که برای دستیابی به این اهداف عمل کرده است چیزی است که به حساب می‌آید. به عنوان مثال شواهدی از قوه قضائیه مستقل، کنترل پلیس توسط شهروندان و حقوق پابرجای مالکیت خصوصی می‌تواند ما را یاری نماید میزانی را که هر کشور آنچه را ادعا می‌نماید در واقع انجام می‌دهد را بفهمیم دو شاخص در ترکیب با یکدیگر میزان تقریبی پیشرفت ملی از لحاظ مبادله اقتصادی و اجتماعی را نشان می‌دهد.

CEE و جهانی سازی

همان طور که قبلاً گفته شده مردم اغلب گمان می‌کنند که CEE جنبه جدانشدنی جهانی‌سازی است. البته ارتباط اینترنتی جهانی تحت نظارت دولت می‌تواند گسترش یابد به روشی که صحبت خصوصی را فقط به صورت سایه‌ای از واقعیت کاهش دهد. به دلیل آنکه دادوستد کالاها، خدمات و ایده‌ها خدمات و ایده‌ها بر اساس اعتماد شخصی در میان اشخاص پیش می‌رود، شاخص CEE ممکن است به عنوان اندازه‌گیری یک موقعیت ضروری برای ایجاد اعتماد به حساب آید که به بسیاری از روابط جهانی وابسته است.

به عنوان نقطه شروع اجازه دهید بپذیریم که CEE (گشودگی) لازم نیست بخشی از جهانی‌سازی حداقل آنگونه که شاخص کیرینی/سیاست خارجی مشخص نموده باشد. به عنوان مثال توجه داشته باشید که زلاندنو در شاخص CEE رتبه اول را دارد اما در شاخص جهانی‌سازی دارای رتبه بیست و یکم است. ایالات متحده دارای رتبه دوم در CEE اما دوازدهم در جهانی‌سازی است. استرالیا که رتبه سوم در CEE است در جهانی‌سازی دارای رتبه بیست و سوم می‌باشد. احتمالاً چشمگیرترین قضاوت در رتبه‌بندی سنگاپور است که در شاخص جهانی‌سازی کیرینی/سیاست خارجی دارای مقام اول است. اما در شاخص CEE فقط در رتبه سی و دوم قرار دارد.

این تفاوت‌ها چه چیز را نشان می‌دهد؟ به عنوان مثال زلاندنو و استرالیا واقعاً جامعه‌های بازی هستند و از لحاظ اقتصادی نیز جهانی به نظر می‌رسند. البته آنان در برخی عوامل زیربنایی شاخص جهانی‌سازی کیرینی (مانند مسافرت بین‌المللی و جریان کالا) و هزینه‌های بالای حمل و نقل دارای رتبه پایین‌تری هستند. از طرف دیگر هر دو رتبه بالایی در استفاده از اینترنت و میزان میزبانی اینترنتی دارند. شخص ممکن است به صورت منطقی نتیجه بگیرد که این کشورها در آزادی شخصی، غنی هستند و علاقمند به گسترش روابط خود فراسوی مرزهای ملی می‌باشند.

جدایی مکانی از اغلب بقیه جمعیت دنیا، اینترنت را به صورت ابزار ارتباطی مهمی برای آنان درمی‌آورد. در مسافرت به زلاندنو در ۱۹۹۹ دریافتیم که اغلب مردم این کشور درباره مسائل لجستیکی که در رویارویی با اقتصاد جهانی با آن برخورد می‌کنند واقعگرا هستند. اما کاملاً تمایل داشتند برای کسب دانش با ورای مرزها تماس داشته باشند و به صورت قابل ملاحظه‌ای بر روی اینترنت برای رسیدن به آن هدف سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

احتمالاً بازبودن زلاندنو برای رسیدن به اهداف اقتصادی کارساز است، اما این موضوع برای بسیاری خود یک هدف است. برای این کشورها به نظر می‌رسد که روح بازبودن به صورتی ناگشودنی با جهانی سازی اقتصادی همراه است.

تلاش‌های سنگاپور مثال مقابل آن است: کشوری که شهروندان آن با زیرکی اقتصادی خود زندگی می‌کنند اما دولت آن هنوز کنترل اجتماعی شدیدی را بر آنان اعمال می‌کند. در سنگاپور حقوق مالکیت خصوصی کاملاً به وسیله قوه قضائیه مستقل حمایت می‌شود. دولت قاعده‌مندی محدود و شفافی را بر فعالیت اقتصادی اعمال می‌نماید و هیچ سهمیه واردات و یا موانع غیرتعرفه‌ای برای دادوستدهای خارجی وجود ندارد. سنگاپور همچنین به شدت تجارت الکترونیک را ارتقاء داده و در رابطه با درصد جمعیتی که از اینترنت استفاده می‌کنند رتبه چهارم را داراست.

حزب حاکم بر سنگاپور به نام *Peoples Action Party (PAP)* همچنین بر تمامی میدان‌های اقتصادی و سیاسی سلطه دارد. شرکت‌های مرتبط با دولت حدود ۶۰ درصد GDP را ایجاد می‌کنند. حزب حاکم ادعا می‌کند که ارزش‌های آن ارزش‌های کشورهای کشور است و سلطه PAP برای بقای سنگاپور حیاتی است. بسیاری از مردم موفقیت‌های اقتصادی تحسین‌برانگیز این دولت فاشیست را می‌ستایند. قسمت اعظم اینکه سنگاپور موفق بوده است در نتیجه تلفیق سیاسی و فرهنگی دولت است: کنترل و شکل‌دهی رفتارهای اجتماعی توسط دولت بیانگر جامعه‌ای شبه قبیله‌ای است شکلی که سنگاپور احتمالاً آن را حفظ خواهد کرد. معهدا دولت سنگاپور با معضل اجازه دادن درک دانش اقتصادی و علمی از اینترنت بدون اجازه دسترسی به نظرات گوناگون در زمینه مطالب اجتماعی و سیاسی که ممکن است به سلطه PAP خدشه وارد نماید روبرو است. خطر برای PAP آن است که اینترنت به عنوان ابزاری برای کارآفرینی اقتصادی ممکن است به صورت وسیله‌ای برای کارهای سیاسی و اجتماعی درآید. تاکنون تکیه بر سانسور شخصی و مجازات‌های سنگین برای تعدادی از متخلفین به نظر مؤثر بوده است. جمهوری خلق چین دارای موقعیت متفاوتی در رابطه با انعطاف‌پذیری، جهانی سازی و استفاده از اینترنت است. رتبه چین در تمامی شاخصها ضعیف است. در شاخص CEF رتبه چهل و نهم و در جهانی سازی دارای رتبه چهل و هشتم است و در بین پنجاه کشور بررسی شده در مورد استفاده از اینترنت دارای رتبه چهل و یکم می‌باشد. با اطمینان می‌توانیم پیش‌بینی نماییم که

هنگامی که این کشور بسیار بزرگ به شدت دستور کار اقتصادی خود را گسترش دهد رشد سریعی هم در جهانی سازی و هم استفاده از اینترنت خواهد داشت. ورود اخیر این کشور به سازمان تجارت جهانی، موقعیت های جدید بسیاری را برای چین ایجاد خواهد کرد. رویکرد این کشور نیز می تواند به عنوان کشوری فاشیستی در نظر گرفته شود: حزب کمونیست زیربار هیچ نوع چالشی در رابطه با برتری حزبی نمی رود و خود را در اغلب مباحثات اقتصادی وارد می کند (مباحثات کاری بین خارجیان و شرکت های چینی در این کشور به طور ثابت با همراهی عضوی از حزب کمونیست صورت می گیرد) البته واضح است که مباحثات صورت گرفته در فضای کامپیوتری برای کنترل و نظارت توسط حاکمان چینی مشکل تر است. چین درخواست معاهده بین المللی برای ایجاد «مدیریت امن اطلاعات» شده است که به قدرت تصمیم گیرنده در کشور اجازه سانسور جریان اطلاعات در اینترنت را بدهد. (سوسمان¹ ۲۰۰۱) با این حال اینترنت به سرعت در حال افزایش در چین است و بیشتر این استفاده کنترل نمی شود. دولت مایل نیست شاخ اینترنت را بشکند چرا که پتانسیل فوق العاده آن را برای پیشرفت علمی و اهداف اقتصادی تشخیص می دهد اما از پتانسیل اینترنت برای آشوب و صدمه نیز می هراسد. دولت به محدودسازی محتوای اینترنت از طریق پلیس تعلیم دیده و به تلاش های خود برای کنترل فعالیت اینترنتی ادامه می دهد. دولت چین همچنین سه ISP موجود در کشور را در اختیار دارد و شرکت های استفاده کننده از اینترنت را ملزم می نماید برای حفظ جواز خود به دقت فهرست کاربران و آنچه را که آنان از طریق اینترنت انجام می دهند را ثبت نماید.

به رغم این اعمال، کاربران پیشرفته در چین موانع اطلاعاتی را با سهولت نسبی دور می زنند بخشی از این کار توسط پایگاه های اینترنتی مستقر در کشورهای آزاد صورت می گیرد. علاوه بر آن هکرهای (hackers) چینی می توانند به پیام هایی از پایگاه های غیرچینی دسترسی داشته باشند. مسئولین چینی دارای گزینه های مؤثر کمی در این زمینه هستند: نظارت همراه با مسامحه و یا رویکرد بی ملاحظه قطع پایگاه های مشخص مانند کافی نت ها و مجازات سنگین اشخاص که گمان شود قوانین را نقض کرده اند. شخص فقط می تواند به موفقیت احتمالی دولت در خاموش کردن دگراندیشان فکر کند.

برخلاف مردم سنگاپور، شهروندان چینی نشان‌دهنده پراکندگی عقاید بیشتری درباره آنچه که یک زندگی خوب می‌تواند شامل آن باشد هستند. در سال ۲۰۰۰ هوانگ کی^۲ بنیانگذار نخستین پایگاه حقوق بشر در چین به اتهام خرابکاری وسیعی در فروپاشی قدرت حاکم دستگیر شد. احتمالاً وی آخرین نفری نخواهد بود که به دلیل چنین اتهامی دستگیر می‌شود.

جدول ۳- مقایسه رتبه بندی ها

شاخص انعطاف پذیری اقتصادی- فرهنگی رتبه بندی های	شاخص جهانی شدن رتبه بندی های	ملیت
۱	۲۱	نیوزیلند
۲	۱۲	ایالات متحده
۳	۲۳	استرالیا
۴	۶	ایرلند
۵	۲	هلند
۶	۴	سوئیس
۷	۷	اتریش
۸	۵	فنلاند
۹	۱۰	کانادا
۱۰	۱۱	دانمارک
۱۱	۹	نروژ
۱۲	۱۵	پرتغال
۱۳	۳	سوئد
۱۴	۸	انگلستان
۱۵	۲۹	ژاپن
۱۶	۲۶	شیلی
۱۷	۳۱	کره

۱۴	۱۸	آلمان
۲۲	۱۹	چک
۱۶	۲۰	فرانسه
۱۳	۲۱	ایتالیا
۱۸	۲۲	اسپانیا
۱۹	۲۳	اسرائیل
۲۷	۲۴	آفریقای جنوبی
۲۵	۲۵	لهستان
۱۷	۲۶	مجارستان
۳۹	۲۷	آرژانتین
۳۰	۲۸	تایلند
۳۴	۲۹	فیلیپین
۲۴	۳۰	یونان
۴۰	۳۱	نیجریه
۱	۳۲	سنگاپور
۳۲	۳۳	سريلانكا
۴۹	۳۴	هند
۳۸	۳۵	اندونزی
۴۳	۳۶	پرو
۴۶	۳۷	کلمبیا
۴۲	۳۸	مراکش
۴۱	۳۹	مکزیک
۳۵	۴۰	ونزوئلا
۴۴	۴۱	برزیل
۲۰	۴۲	مالزی
۳۷	۴۳	ترکیه
۲۸	۴۴	تونس

۳۳	۴۵	اوکراین
۴۷	۴۶	کنیا
۳۶	۴۷	مصر
۴۵	۴۸	روسیه
۴۸	۴۹	چین
۵۰	۵۰	ایران

شوکه‌های فناوری اینترنت و فرهنگ

مقاومت در مقابل چالشگرهای فرهنگی در اغلب جوامع یک هنجار است. روش‌های جدید و قدرتمندی از گردآوری و تفسیر اطلاعات باعث شده است مردم ارائه‌های فرهنگی کنونی در مورد روابط مهم را زیر سؤال ببرند. مردم شروع به کسب تجربه با هنجارهای فرهنگی در سعی برای نوشتن دوباره کتاب راهنمای عملکردهای اجتماعی کرده‌اند.

اینکه چگونه چنین کارآفرینی عمل می‌کند بسته به بازبودن زیربنای فرهنگی، بسیار متفاوت است. کسانی که دارای فرهنگی خاص هستند نمی‌توانند به سادگی ارزش‌ها و هنجارهای جدید را جایگزین نمایند و درس‌هایی را که در طول دوره زندگی خود آموخته‌اند، نیاموخته به حساب آورند.

این درس‌ها در خاطرات افراد و در مؤسسات جامعه وجود دارد. بنابراین افکاری عمومی در مقابل حمله متجاوزین فرهنگی پاسخی قابل پیش‌بینی در زمانی است که فناوری به روشی بر هم زنده اجتماع مورد استفاده قرار گیرد.

البته در جوامع انعطاف‌پذیر فرهنگی، ارزش‌های ایجاد شده و هنجارها در مقابل چنین چالش‌هایی باز هستند. اشخاص از ابتکارات (اغلب از طریق زیرفرهنگ‌ها) در این جوامع باز به روش‌هایی استفاده خواهند کرد که به صورت بالقوه ناهمگن با هنجارهای بنیادی است. فوکویاما چنین تنش‌هایی را به خوبی توصیف نموده است:

هیچ چیزی در مؤسسات رسمی وجود ندارد تا تضمین کند که جامعه از نوع درستی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی تحت فشار تغییرات فناوری، اقتصادی و اجتماعی لذت ببرد. عکس آن صحیح

است:

فردگرایی، کثرت‌گرایی و پذیرش که در روند رسمی مؤسسات برای تشویق تفاوت‌های فرهنگی ایجاد شده است توان بالقوه‌ای در تحت تأثیر گذاشتن ارزش‌های اخلاقی به جای مانده از گذشته دارد. (۱۹۹۹ ص ۱۲)

ذاتاً در کشورهای آزاد (یعنی دارای CEE بالا) همه کس جواز دنبال کردن راه‌های برای از بین بردن، اصلاح و یا دوباره سازی هنجارهای اجتماعی را دارد.

روشن است که اینترنت طیف ابتکارسازی سیاسی و اجتماعی را گسترش می‌دهد. مستمراً مجبوریم بازی رسیدن به هنجارسازی‌ها و ارزش‌ها را که در شرایط متغیر ما منطقی است، اگر که CEE بخواند حفظ شود را باز کنیم چرا جوامع باز، مخاطرات اینکه از لحاظ اخلاقی سست شوند را می‌پذیرند؟

فکر می‌کنم جواب به طور کلی در تفاوت‌های درک شده در هزینه تطبیق باشد. در جوامع باز مردم عموماً باور دارند که تغییرات می‌تواند مدیریت شود و تحت نظارت درآید و چنین تغییراتی بسیار پرهزینه و مهندس کننده نخواهد بود بلکه ارزیابی‌ها فعالیت‌های خوش‌بینانه‌ای را ایجاد خواهد کرد که در آن با مسائل برخورد و به جای آنکه از آنها اجتناب شود، حل می‌گردد.

از طرف دیگر در کشورهای سرکوب شده رهبران در هر اسند که روش‌های تحریک کننده ممکن است از اتصال با دنیای کثرت‌گرا ایجاد شود. اگر شهروندان آنها قادر به کسب فرهنگی که متفاوت از آنچه در کشور تعریف شده و قابل قبول است شوند قسمتی از چینی که ملت را با یکدیگر نگاه داشته از هم گسسته می‌شود. دولت‌ها با معضل کنترل استفاده‌های بالقوه ناخوشایند اجتماعی و سیاسی روبرو هستند در حالیکه در عین حال مشارکت در اطلاعات ارزشمند اقتصادی را بالا می‌برند. همچنین بسیاری از شرکت‌های بزرگ ارزش اطلاعاتی را که کارمندان آنها از شبکه کسب می‌کنند در مقابل ریسکی که کارمندان ممکن است از دسترسی به شبکه سوءاستفاده نمایند، می‌سنجند.

سیاست‌های شرکتی درباره استفاده کارمندان از شبکه متفاوت است و کارکنان در زمینه انتخاب این شرکت‌ها حق انتخاب دارند: کسانی که برای آزادی‌های شخصی ارزش بسیاری قائلند به شرکت‌هایی می‌روند که دارای همان ارزش‌ها هستند. در نتیجه رقابت در میان شرکتها برای داشتن کارمندان کارآمد (که ممکنست برای آزادی‌های شخصی ارزش بسیاری قائل باشند) می‌تواند بر طرح و

سیاستگذاریهای سازمانهای خصوصی تأثیر گذارد. در مقابل دولتهای ملی تا میزان زیادی، شهروندان خود را که خروج آنها (مهاجرشان) هزینه بر است محبوس نگاه داشته‌اند. عدم تحرک این شهروندان به دولتهای ملی این اجازه را می‌دهد تا کمتر پاسخگوی تقاضای شهروندان برای آزادیهای اطلاعاتی، باشند.

نتیجه‌گیری

همان طور که اینترنت به صورت ابزار ارتباطی قوی درمی‌آید تغییراتی اساسی را در الگوی زندگی ما ایجاد می‌کند. همه ما با ابتکارات برهم زنده ثبات می‌جنگیم - همان گونه که صنعتگران خانگی ۱۹۰ سال پیش با صنعتی شدن جنگیدند. در مردم سالاری‌های کثرت گرا، گروه‌های علاقمند به دولت فشار می‌آورند تا جنبه‌های نامطلوب ایجاد روابط جهانی را قاعده‌مند نماید (به عنوان مثال ردوبدل شدن هزینه‌نگاری‌ها و یا اعمال خشونت آمیز) و دولت‌ها نیز تا حدودی کنترل را اعمال می‌کنند.

اما معتقدم که جوامع باز، سازش‌پذیر و کثرت‌گرا از این نابسامانی‌ها بدون محدودیتهای بسیار بر اینترنت خواهند گذشت هر چند که مطمئنند که با ابتکارات فناورانه برهم‌زنده ثبات و پیشرفت‌های علمی مختل‌کننده روبرو خواهند شد. رشد سریع در دانش علمی ما درباره مغز انسان و ژنتیک زیستی ممکن است باعث چنین شوک‌هایی در دهه‌های آینده گردد.

جوامعی که ارزش بسیاری برای انعطاف‌پذیری اجتماعی و اقتصادی قائلند (آزادی و پذیرش) می‌توانند چنین اختلالاتی را پیش‌بینی نمایند. به وسیله باز نگه داشتن گزینه‌های فرهنگی، حتی اگر دلیلی قوی برای انجام آن وجود نداشته باشد، چنین جوامعی تواناییهای ارزشمند خود را حفظ می‌نمایند. البته این استدلال‌ها بر رهبران سیاسی که مدعی نمایندگی فرهنگهای ملی خود هستند اثری ندارد. البته طرف دیگر انعطاف‌پذیری، پتانسیل استحاله هویت فرهنگی است که ریسکی برای تمامی کسانی است که به صورت آزاد زندگی می‌کنند همان‌گونه که فوکویاما متدبرانه بیان می‌نماید: «واضح است که برای کسانی که آزاد زندگی نمی‌کنند این ریسک کاهش می‌یابد. اما تلاش برای بستن فرهنگ‌ها عواقبی دارد که می‌تواند آزادی انسانی را ویران کند.»

خوشبختانه در جوامع بسته تمایل رهبران سیاسی برای گسترش تبادلات اقتصادی جهانی آنان را وادار
نساخته است برخی ایده‌های خارجی را که با آن آمیخته است و از طریق اینترنت می‌آید بپذیرند.
یوغ سنت‌گرایی فرهنگی و سرکوب سیاسی بیشترین بازده را از توسعه اینترنت به دست می‌آورد.
اشخاص می‌توانند از اینترنت برای پیوستن به طبقه متوسط جهانی شده استفاده نمایند - که به گونه‌ای
سیستم حمایت روانی جهانی است. می‌باید برای گسترش اینترنت جهانی باز، کار کنیم نه فقط به
دلیل اینکه فعالیت‌های اقتصادی را گسترش می‌دهد بلکه به دلیل آنکه آزادی فردی را گسترش
می‌دهد اما می‌باید بدانیم دسترسی به اینترنت همچنین ویرانی عظیمی در برخی فرهنگ‌ها در بسیاری
از قسمت‌های دنیا ایجاد خواهد کرد.

منابع

- T. Kearney/Foreign Policy magazine. 2001. Globalization Index. Available at <http://www.atkearney.com>.
- Brown, John S., and Paul Duguid. 2000. *The Social Life of Information*. Boston: Harvard Business School Press.
- Brynjolfsson, Eric, and Lorin M. Hitt. 2000. Beyond Computation: Information Technology, Organizational Transformation, and Business Performance. *Journal of Economic Perspectives* 14 (fall): 23-48.
- Freedom House. 2000. *Annual Survey of Freedom Country Rankings 1972-73 to 1999-00*. New York: Freedom House.
- Fukuyama, Francis. 1999. *The Great Disruption*. New York: Touchstone.
- Geography and the Net. 2001. *The Economist* (August 11-17): 18-20.
- Globalisation through French Eyes. 2001. *The Economist* (August 4-10): 43-44.
- Hayek, F. A. 1945. The Use of Knowledge in Society. *American Economic Review* 35: 519-30.
- International Monetary Fund (IMF). 2000. *International Financial Statistics Yearbook*. Washington, D.C.: IMF.
- International Telecommunications Union. 2000. *Yearbook of Statistics 2000*. Geneva: International Telecommunications Union.
- Kalathil, Shanthi, and Taylor C. Boas. 2001. *The Internet and State Control in Authoritarian Regimes: China, Cuba, and the Counterrevolution*. Washington, D.C.: Carnegie Endowment for International Peace. Available at: <http://www.ceip.org/files/publications>.
- Lessig, Lawrence. 1999. *Code and Other Laws of Cyberspace*. New York: Basic.

- Measuring Globalization. 2001. Foreign Policy (January–February): 56–65.
- Netcraft. 2000. Secure Server Survey. Available at:
<http://serverwatch.internet.com/netcraft/200102netcraft.html>.
- O'Driscoll, Gerald P., Jr., Kim R. Holmes, and Melanie Kirkpatrick. 2001. 2001 Index of Economic Freedom. Washington, D.C.: Heritage Foundation and Dow Jones and Company.
- Prose, Michael. 2001. Why the Web Is a Big City with a Difference. Financial Times, April 28–29, 28.
- Rothkopf, David. 1997. In Praise of Cultural Imperialism? Foreign Policy (summer): 38–53.
- Shapiro, Andrew L. 1999. The Internet. Foreign Policy 115 (summer): 14–27.
- Steiner, Peter. 2000. On the Internet, Nobody Knows You're a Dog. In The New Yorker Book of Technology Cartoons, edited by Robert Mankoff, 68. New York: Bloomberg.
- Susman, Leonard R. 2001. The Internet in Flux. Press Freedom Survey 2001. New York: Freedom House.
- U.S. Internet Council. 2000. State of the Internet 2000. Prepared by International Technology and Trade Associates (ITTA) Inc., September. Washington, D.C.: ITTA.
- Weinberger, David. 2001. Libertarianism Good and Bad. Darwin Online. Available at:
<http://www.darwinimg.com/read/swiffkick/index.html>.
- World Bank. 2000. World Development Indicators 2000. Washington, D.C.: World Bank.